



برترین های

فاطمه

برترین های فاطمه سلام الله علیها

فاطمه منیر فاطمه

موضوع: فیش منبر فاطمیه

عنوان: برترین های فاطمه (سلام الله علیها)

صاحب امتیاز: گروه تبلیغی پژوهشی مهاجر

گرد آورنده و تدوین کننده : گروه مهاجر

طراحی صفحه: گروه گرافیک مهاجر

نوبت نشر: اول

تیراژ: ۴۰۰۰

سال نشر: ۱۳۹۹ / کانال فیش منبر و مرثیه

فصل: پاییز

سلام الله علیها

برترین های فاطمه



جلسه دوم



نیکی کارترین

- ۶ موضوع کلی : برترین های فاطمه
- ۶ جلسه دوم : نیکوکارترین ۶
- ۹ معنای «بر» و «ابرار» چیست ؟ ۹
- ۱۰ اوصاف ابرار در قرآن طبق آیه ۱۷۷ بقره ۱۰
۱۱. ۱. ایمان به مبدأ ۱۱
- ۱۱ ایمان و یقین حضرت فاطمه سلام الله علیها: ۱۱
- ۱۳ ۲- ایمان و یقین به آخرت ۱۳
- ۱۳ یاد معاد و قیامت در زندگی حضرت فاطمه سلام الله علیها: ۱۳
- ۱۳ الف- یاد قیامت و مرگ در دعای حضرت فاطمه سلام الله علیها: ... ۱۳
- ۱۵ ب) یاد و اندیشه قیامت در شب عروسی: ۱۵
- ۱۷ ج) انفاق در راه خدا برای قیامت ۱۷
- ۱۸ د) وصیت حضرت فاطمه برای دفن شیشه اشک ۱۸
- ۲۰ ۳. ایمان به فرشتگان ۲۰
- ۲۱ صداقت حضرت زهرا سلام الله علیها: ۲۱
- ۲۴ پنج جلوه صبر و استقامت حضرت زهرا سلام الله علیها ۲۴
- ۲۶ ۱- پایداری قولی و عملی حضرت زهرا در برابر خوف ۲۶
- ۲۷ ۲- امتحان به جوع و گرسنگی فاطمه زهرا و صبوری آن حضرت ۲۷

- ۳- نقص اموال ۲۸
- ۴- ابتلاء و امتحان به نقص جان و آزار بدنی ۳۱
- ۵- ابتلائات حضرت زهرا در نقص ثمرات ۳۲
۹. اقامه نماز ۳۳
- نماز حضرت زهرا سلام الله علیها: ۳۳
۱۰. پرداخت زکات ۳۵
- راههای رسیدن به مقام ابرار: ۳۶
- ۱- انس با قرآن و عمل کردن به آیات آن ۳۶
- ۲- خداخواهی بجای خودخواهی ۳۷
- ۳- انفاق دوست داشتنی ها در راه خدا ۳۷
- انتهای بر و نیکی ۳۹
- روضه پایانی: ۴۰
- منابع و پی نوشت: ۴۲

موضوع کلی : برترین های فاطمه

جلسه دوم : نیکوکارترین

ریز موضوع : حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها نیکوکارترین ترین

مردم بود. أَنْتِ أَعْلَمُ بِاللَّهِ وَ أَبْر

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين نحمده و نستعينه و نستغفره و نتوكل عليه و
نصلي و نسلم على حبيبه و نجيبه و خيرته في خلقه حافظ سره و مبلغ
رسالاته بشير نعمته و نذير نقمته سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى
محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين الهداه المهديين سيما
بقية الله في الارضين و صلى الله على ائمة المؤمنين و هداة

المستضعفين . (خطبه از رهبر معظم انقلاب)

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ وَ أَبِيهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا وَ سِرِّ الْمُسْتَوْدَعِ فِيهَا بَعْدَ
مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ

نثار بی بی دو عالم حضرت زهرا سلام الله علیها و تعجیل در فرج فرزندش

امام زمان عجل الله تعالی فرجه صلواتی ختم کنید

وجود نازنین امیرالمومنین علی علیه السلام که هم همسر و هم امام

زمان حضرت فاطمه سلام الله علیها است پنج صفت در مورد حضرت

فاطمه سلام الله عليها در آخر عمر حضرت بیان می کنند به فضل الهی هر شب در مورد یکی از آن صفات با همدیگه صحبت می کنیم

ابتدا روایت رو براتون بیان کنم روایت در کتاب شریف بحار الأنوار ج ۴۳، ص: ۱۹ علامه مجلسی می باشد.

در لحظات آخر عمر پربرکت بی بی دو عالم حضرت زهرا سلام الله عليها مطالب مهم بین امام علی علیه السلام رد و بدل شده که دارای نکات عمیقی است

أَنَا أُوصِيكَ بِأَشْيَاءَ فِي قَلْبِي قَالَ لَهَا عَلِيٌّ ع أُوصِينِي بِمَا أَحْبَبْتَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ فَجَلَسَ عِنْدَ رَأْسِهَا وَ أَخْرَجَ مِنْ كَانِ فِي الْبَيْتِ ثُمَّ قَالَتْ يَا ابْنَ عَمٍّ مَا عَهَدْتَنِي كَاذِبَةً وَ لَا خَائِنَةً وَ لَا خَالَفْتِكَ مِنْذُ عَاشَرْتَنِي فَقَالَ ع مَعَاذَ اللَّهِ أَنْتَ أَعْلَمُ بِاللَّهِ وَ **أَبْر** وَ اتَّقَى وَ أَكْرَمُ وَ أَشَدُّ خَوْفًا مِنَ اللَّهِ مِنْ أَنْ أُوبِخَكَ بِمُخَالَفَتِي قَدْ عَزَّ عَلَيَّ مَفَارَقَتُكَ وَ تَفَقُّدُكَ إِلَّا أَنَّهُ أَمْرٌ لَا بُدَّ مِنْهُ وَ اللَّهُ جَدَّدَتْ عَلَيَّ مُصِيبَةَ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ قَدْ عَظُمَتْ وَفَاتُكَ وَ فَقَدُكَ فَاِنَّا لِلَّهِ وَ اِنَّا اِلَيْهِ رَاَجِعُونَ مِنْ مُصِيبَةٍ مَا اَفْجَعَهَا وَ اَلْمَهَا وَ اَمَضَّهَا وَ اَحْزَنَهَا هَذِهِ وَ اَللَّهُ مُصِيبَةٌ لَا عِزَّاءَ لَهَا وَ رِزِيَةٌ لَا خَلْفَ لَهَا ثُمَّ بَكِيًا جَمِيعًا سَاعَةً وَ اَخَذَ عَلَيَّ رَأْسَهَا وَ ضَمَّهَا اِلَى صَدْرِهِ

پسر عمو! اجل من فرا رسیده، من ساعت به ساعت خودم را این طور می بینم که دارم به پدرم ملحق می شوم. در باره این مطالبی که در قلب خود دارم به تو وصیت می کنم.

حضرت علی علیه السلام فرمود: ای دختر پیغمبر هر وصیتی که دوست داری بکن، سپس بالای سر حضرت زهرا نشست و دستور داد تا افرادی که در اطاق بودند خارج شدند.

پس از آن حضرت فاطمه فرمود: پسر عمو! آیا در این مدتی که تو با من معاشرت داشتی، دروغ و خیانت و مخالفتی از من دیدی؟

حضرت امیر علیه السلام فرمود: ابد!! به خداوند پناه می‌برم! تو به وجود خداوند داناتری و **نیکوکارتر** و پرهیزکارتر و گرامی‌تر و از خدا خائف‌تر از آنی که من تو را به علت مخالفت کردن سرزنش نمایم. حقا که فراق و فقدان تو برای من بسیار ناگوار است، ولی چه باید کرد، چاره‌ای نیست. به خداوند سوگند که تو مصیبت پیامبر خدا را برای من تجدید کردی، حقا که فوت و از دست رفتن تو خیلی برای من سنگین و بزرگ است. انا لله و انا الیه راجعون به خداوند سوگند که این مصیبت دردناکترین و غصه‌دارترین مصیبتی است که هیچ تسلیت و تعزیتی با آن برابری نمی‌کند و جانشین آن نخواهد شد!! سپس حضرت علی و زهرا علیهما السلام مدتی گریستند، آنگاه علی علیه السلام سر مبارک فاطمه علیها السلام را بلند کرد و به سینه خود نهاد (جامع الاحادیث نور / زندگانی حضرت زهرا علیها السلام) ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار) ترجمه روحانی، ص: ۶۳۱)

در اینجا کلام یک انسان معصوم مطرح است و آن کلام مولا امیرالمومنین علی علیه السلام که در مورد حضرت صدیقه طاهره حضرت زهرا سلام الله علیها می فرماید که تو نیکوکارترین هستی کلمه **أَبْرَ اسْم تَفْضِيلِ اسْت** ما یک بر داریم یعنی احسان، و تحقق آن چنین است که آدمی کار خود را نیکو کند و کار نیک را برای نیک بودن آن یا از این رو که خیر دیگران در آن است، انجام دهد، نه برای پاداش یا تشکر (کتب لغت) بر یعنی نیکی کردن، احسان کردن ما به یکی و یا چیزی می گوئیم کبیر یعنی بزرگ اما به خداوند متعال می گوئیم اکبر، اکبر اسم تفضیل است یعنی بزرگتر حالا اینجا امیرالمومنین به حضرت زهرا می فرماید **أَبْرَ یَعْنِی نِیْکُوکَارتَرِیْن**

سوال اول معنای «بر» و «ابرار» چیست؟

سوال دوم از نگاه قرآن؛ «ابرار»، چه ویژگی‌هایی دارند؟

سوال سوم مصادیق بر در زندگی حضرت زهرا سلام الله علیها کدام است؟

معنای «بر» و «ابرار» چیست؟

مفسران قرآن برای «بر» معانی گوناگونی بیان کرده‌اند؛ مانند:

۱. هرگونه اطاعت خدا «بر» نامیده می‌شود (۱)

۲. بر، هر چیزی از خیر و احسان و کار مورد رضایت خدا است که

عامل نزدیکی به خدا باشد(۲)

همچنین مفسران قرآن؛ در معنای «ابرار»، تعریف‌ها یا تعبیرهای گوناگونی دارند؛ مانند این‌که گفته‌اند: «ابرار»؛ کسانی‌اند که طاعت خدا را به طور کامل بجای آورند و او را از خود خوشنود سازند و از گناهان پرهیزند. (۳) یا آنان که به خدا، پیامبر و روز بازپسین ایمانی از روی رشد و بصیرت دارند(۴)

اوصاف ابرار در قرآن طبق آیه ۱۷۷ بقره

لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ»

نیکی آن نیست که روی خود به جانب مشرق و مغرب کنید بلکه نیکوکار کسی است که به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب خدا و پیامبران ایمان آورد و مال خود را با آن که دوستش دارد به خویشاوندان و یتیمان و درماندگان و مسافران و گدایان و دربند ماندگان ببخشد و نماز بگذارد و زکات بدهد و نیز کسانی هستند که

چون عهده می بندند. بدان وفا می کنند و آنان که در بینوایی و بیماری و به هنگام جنگ صبر می کنند، اینان راستگویان و پرهیزگارانند

در مورد برخی از اوصاف ابرار با هم صحبت می کنیم. و نمونه و مثال هایی از زندگی حضرت زهرا سلام الله علیها برای شما بیان می کنم

۱. ایمان به مبدأ

تعبیر «مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ» همه شناخت‌های مرتبط با معرفت الله مانند شناخت براهین اثبات واجب و صفات ثبوتی و سلبی او را در بر می‌گیرد. (۵) خدای متعال در تبیین صفات «ابرار»، از ایمان به خدا و روز بازپسین آغاز کرد؛ زیرا این ایمان، اساس هر برّ و مبدأ هر خیری است و ایمان، ریشه «برّ» نیست، مگر این‌که در نفس آدمی با برهان تثبیت شود و همراه با خضوع باشد (۶)

ایمان و یقین حضرت فاطمه سلام الله علیها:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) **إِنَّ ابْنَتِي فَاطِمَةَ مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهَا وَ جَوَارِحَهَا إِيمَانًا وَ يَقِينًا** پیامبر فرمود: همانا خداوند متعال قلب و جوارح دخترم فاطمه را از ایمان و یقین انباشته است. (۷)

رضوان خدا بر شهدا که دل‌هایشان پر از ایمان بود همسر شهید موسی جمشیدیان (از شهدای مدافع حرم/محل شهادت حلب سوریه سال ۹۴) همسر این شهید از طلاب سطح سه مؤسسه آموزش عالی حوزوی مجتهده امین(ره) در وصف همسر شهیدش چنین می‌گوید: از ویژگی‌های بارز شهید انس با قرآن بود تا آنجا که ملزم بودند هر روز صبح‌ها قبل از رفتن به محل کار خویش قرآن کریم را باز نموده و قرائت نمایند و در آیات الهی تأمل کند و بدون اینکه کسی حتی پدر و مادر ایشان بدانند دوازده جزء از قرآن کریم را حفظ کردند.

همسر این شهید می‌فرمودند: در یکی از روزها که مشغول تلاوت و تأمل در قرآن بودند مرا صدا زدند و گفت به این آیه بنگر آیه ۱۰ از سوره صف که خداوند می‌فرماید «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ

تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»، «ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید، آیا شما را بر تجارتی که از عذاب دردناک (قیامت) نجاتتان دهد، راهنمایی کنم؟ به خدا و رسولش ایمان آورید و با اموال و جان‌هایتان در راه خدا جهاد کنید که این برای شما بهتر است اگر بدانید» من از خدا می‌خواهم که من هم از مصادیق این آیه باشم و دعایش این بود «اللَّهُمَّ اخْتِمْ لَنَا بِالسَّعَادَةِ وَالشَّهَادَةِ (۸)

۲-ایمان و یقین به آخرت

«مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ»

یاد معاد و قیامت در زندگی حضرت فاطمه سلام الله علیها:

الف- یاد قیامت و مرگ در دعای حضرت فاطمه سلام الله علیها:

در دعای حضرت فاطمه علیها السلام در تعقیب نماز ظهر اینطور می فرمایند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ ... الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَالْأَمْنَ عِنْدَ الْحِسَابِ وَ اجْعَلِ الْمَوْتَ خَيْرَ غَائِبٍ أَنْتَظِرُهُ وَ خَيْرَ مُطَّلَعٍ يَطَّلِعُ عَلَيَّ وَ ارْزُقْنِي عِنْدَ حُضُورِ الْمَوْتِ وَ عِنْدَ نَزُولِهِ وَ فِي غَمْرَاتِهِ وَ حِينَ تَنْزِلُ النَّفْسُ مِنْ بَيْنِ التَّرَاقِي وَ حِينَ تَبْلُغُ الْحُلُقُومَ وَ فِي حَالِ خُرُوجِي مِنَ الدُّنْيَا وَ تِلْكَ السَّاعَةَ الَّتِي لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي فِيهَا ضَرًّا وَ لَا نَفْعًا وَ لَا شِدَّةً وَ لَا رَخَاءً رَوْحًا مِنْ رَحْمَتِكَ وَ حَظًّا مِنْ رِضْوَانِكَ وَ بُشْرَى مِنْ كَرَامَتِكَ قَبْلَ أَنْ تَتَوَفَّى نَفْسِي وَ تَقْبِضَ رُوحِي وَ تُسَلِّطَ مَلَكَ الْمَوْتِ عَلَيَّ إِخْرَاجِ نَفْسِي بِبُشْرَى مِنْكَ يَا رَبِّ لَيْسَتْ مِنْ أَحَدٍ غَيْرِكَ تُتَلَجُّ بِهَا صَدْرِي وَ تَسْرُ بِهَا نَفْسِي وَ تَقْرُ بِهَا عَيْنِي وَ يَتَهَلَّلُ بِهَا وَجْهِي وَ يَسْفُرُ بِهَا لَوْنِي وَ يَطْمئنُّ بِهَا قَلْبِي وَ يَتَبَاشَرُ بِهَا سَائِرُ جَسَدِي يَغْبِطُنِي بِهَا مَنْ حَضَرَنِي مِنْ خَلْقِكَ وَ مَنْ سَمِعَ بِي مِنْ عِبَادِكَ تَهَوَّنُ بِهَا عَلَيَّ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَ تُفَرِّجُ عَنِّي بِهَا كُرْبَتَهُ وَ تُخَفِّفُ بِهَا عَنِّي شِدَّتَهُ وَ تَكْشِفُ عَنِّي بِهَا سُقْمَهُ وَ تُذْهِبُ عَنِّي بِهَا هَمَّهُ وَ حَسْرَتَهُ وَ

تَعْصَمُنِي بِهَا مِنْ أَسْفَهٍ وَ فِتْنَةٍ وَ تُجِيرُنِي بِهَا مِنْ شَرِّهِ وَ شَرِّ مَا يَحْضُرُ
أَهْلُهُ وَ تَرْزُقُنِي بِهَا خَيْرَهُ وَ خَيْرَ مَا يَحْضُرُ عِنْدَهُ وَ خَيْرَ مَا هُوَ كَائِنٌ بَعْدَهُ

خداوندا! راحتی در هنگام مرگ، و در امان بودن به هنگام حسابرسی
را از تو خواستارم؛ و از تو می‌خواهم که مرگ مرا بهترین غایبی که در
انتظار او هستم، و بهترین چیزی که با آنان روبرو می‌گردم قرار دهی،
و هنگام مرگ، و زمانی که مرا در خود فرو می‌برد، و آنگاه که آخرین
نفسها در سینه‌ام می‌تپد، و هنگامی که جان بر لبانم می‌رسد، و در آن
حال که از دنیا می‌روم، و در آن ساعتی که هیچ اختیاری از خود
نداشته، و هیچ نفع و ضرر، و هیچ سختی و آسایشی را نمی‌توانم
برای خود فراهم سازم، در آن هنگام نسیمی از رحمت خود، و بهره‌ای
از خشنودی و رضای خود را به من عطا فرما؛ و قبل از آنکه جانم را
بگیری، و روحم را قبض نمایی، و فرشته مرگ مرا بر من مسلط
نمایی، مژده‌ای از کرامت خود را به من ارزانی نما، بشارتی که فقط تو
بر آن توانایی، بشارتی که قلبم را مطمئن کند، و جانم را خشنود
سازد، و دیدگانم را نورانی کند، و چهره‌ام را مسرور سازد، و رنگ
رخسارم را درخشندگی عطا کند و جانم را آرامش بخشد، مژده‌ای که
تمام اعضای بدنم را آسوده کند به طوری که هر مخلوقی از مخلوقات
که مرا می‌بیند، و هر بنده‌ای از بندگانت که توصیف مرا می‌شنود بر آن
غبطه خورد و سختیهای مرگ را بر من آسان گرداند، و رنج آن را از

من برطرف سازد، و شدت آن را از من دور گرداند، و بیماری آن را از من برطرف نماید، و گرفتاری و حسرت آن را از من دور کند، و مرا از تأسف و بلاهای آن بر حذر دارد، و از شر آن و شر کسانی که در آن هنگام حضور دارند پناه دهد. و بهره‌مندم سازد از خیری که در مرگ وجود دارد و خیر کسانی که در آن زمان حاضر هستند و خیر آنچه که بعد از آن واقع گردد.

بَارِكْ لِي فِي الْبَعْثِ وَالْحِسَابِ إِذَا انْشَقَّتِ الْأَرْضُ عَنِّي وَ تَخَلَّ الْعِبَادُ مِنِّي وَ غَشِيَتِنِي الصَّيْحَةُ وَ أَفْزَعَتِنِي النَّفْخَةُ وَ نَشَرَّتِنِي بَعْدَ الْمَوْتِ وَ بَعَثْتِنِي لِلْحِسَابِ

و آنگاه که در قیامت و موقع حسابرسی، قبرم شکافته شده، و بندگان از من دور می‌شوند، و صیحه آسمانی مرا فرا گرفته، و نفخه صور مرا به وحشت انداخته، و بعد از مرگ مرا مبعوث ساخته و برای حساب اعمالم برانگیخته‌ای، آن روز را بر من مبارک گردان (۹)

ب) یاد و اندیشه قیامت در شب عروسی:

شب عروسی وارد خانه ی امیرالمومنین شد ، حضرت دید فاطمه یک حال ناراحتی دارد ، فاطمه جان چیه ؟ از بابایت جدا شدی ناراحتی؟ عبارت را ببینید ، این را تو منابع عامه آمده ، یکی از علمای اهل سنت شافعی در آیت المرام حالا من نمی خواهم مدارک را روی منبر بگویم ، عبارت را دقت کنید : گفت پسرعمو شبّهتُ دُخولی فراشی بِمَنْزِلی و

دُخولی إلی لَحدی إلی قبری. (احقاق الحق، شوشتری، ج ۴: ۴۸۱؛
الموسوعه الکبری، انصاری، ج ۳: ۲۹۶) الان که از خانه ی بابا آمدم تو
خانه ی تو یاد یک چیزی افتادم و آن این است که یک روزی هم از
اینجا باید بروم تو خانه ی قبر . یک روزی از اینجا باید بروم زیر لحد .
آی دنیا این حرف یعنی چی؟ آنهایی که نگران آمار طلاق تو کشور
می دانی این حرف یعنی چی؟ این حرف دوتا نکته توش هست :
نکته ی اول ، یعنی اینجا بعدش دیگر قبر است ، طلاق و جدایی و
اختلاف و تفکیک نداریم . دوتا انتقال یک زن دارد . یکی از خانه ی بابا
به خانه ی شوهر، یکی از خانه ی شوهر به خانه ی قبر. یعنی با مرگ
جدا میشوند از هم.

وای که چقدر من غصه میخورم این شهرستانها می روم. امروز جوان
آمده پیش من تو قم حاج آقا نه ماه است ازدواج کردیم داریم جدا
می شویم . جوانی از یکی از شهرستانها آمده سه ماه است ازدواج
کردیم داریم جدا می شویم . چرا این طلاق تو جامعه انقدر گسترش
پیدا کرد ؟ یکی از دلایلش این است ، معنویت نیست. من سال
گذشته هم این را گفتم ، وارد خانه شد یاد معاد یاد قیامت ، حالا که
اینطور است نُصَلّی ربنا نُعْبُدالله ... جوانها که هرکدام متاهلید دعا
میکنم دلتان به خانواده هایتان گرم باشد . هرکدام هم مجردید دعا
میکنم به آبروی حضرت زهرا همه ی دخترها و پسرها ازدواج کنند .

این حرف یعنی چی؟ این کلام حضرت زهرا س یعنی چی؟ یعنی شب عروسی یاد خدا . شب عروسی یاد معاد ، بماند که بعضی عروسی های ما با گناه آلوده میشود. بعضی ها . خیلی کم ان شالله. بماند

آدم میشنود گوشه و کنار بعضی عروسیها توش اختلاط است . توش موسیقی مبتذل است . ونکات دیگری که جایش روی منبر نیست. بله این کد دوم. شب عروسی یاد معاد(۱۰)

ج) انفاق در راه خدا برای قیامت

سوره ی هل آتی (سوره انسان) . همه تان شنیدید دوبار خدا تو این سوره می گوید این خاندان معاد ترس بودند. **إِنَّا نَحْنُ رَبَّنَا يَوْمًا عَبَّوسًا قَمَطَّرِيرًا. دو : يَخَافُونَ يَوْمًا كَانَتْ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا.** داستانش را که بلدید . سه روز روزه گرفتند حسن و حسین مریض بودند. بله نذر گاهی اینطوری انجام بدهید . روزه نذر کنید . جوانها کنترل می شوید. غرایزت ان کنترل می شود حوائجتان برآورده میشود . نماز نذر کنید دعا نذر کنید . معنویت انسان را ارتقاء می دهد. دم افطار یتیم آمد مسکین آمد اسیر آمد ، هر سه شب نانشان را انفاق کردند. هیچ دوربینی هم آنجا نبود که فیلم بگیرد. هیچ کسی هم نبود آن را یادداشت کند و ثبت کند.

هجده آیه نازل شد ، این اتفاق را جهانی کرد ، جهانی کرد . شیعه و سنی نوشتند. بعد می فرماید علت این کار یاد خدا و ترس از قیامت است (۱۱)

د) وصیت حضرت فاطمه برای دفن شیشه اشک

این را خوب گوش بدهید شاید نشنیده باشید . من خیلی گشتم سندش را پیدا کنم، یک کتاب خطی پیدا کردم به نام زبر المذاب . زبر به طلاهای خورد می گویند به زلایهای خورد که ذوبش می کنند انگشتر درست کنند طلا درست کنند . به این می گویند زبر المذاب فی ترتیب الاصحاب ، خیلی رفتم گشتم آخرش خدمت یکی از مراجع قم بودم ، به ایشان عرض کردم این کتاب را شما می شناسید؟ فرمودند بله ، این کتاب چاپ نشده ، نسخه اش خطی است . قرن یازدهم یک عالم شافعی نوشته. عالم اهل سنت. ایشان فرمودند این کتاب نسخه اش خطی است . من رفتم با یک پیگیری این مطلب را بلاخره پیدا کردم از تو این کتاب. خیلی عجیب است ، خواهش می کنم گوش بفرمایید .

حضرت امیر می فرماید فاطمه ی زهرا من را خواست ، آخرین لحظه نشستم کنارش. اینطور عرضه داشتند : إِذَا فَرَقْتَ مِنْ أَمْرِي يَادِ مَعَادِ دَرِ فَاطِمَةَ بُوَدِ . بگذارید یک بخش هایش را فارسی بگویم چون زمان نیست. علی جان وقتی من را به خاک سپردی یک شیشه ای بهت

میدهم این را با من خاک کن. این شیشه اشکهایی هست که تو دل
شب من از خوف خدا ریختم ، و جمع کردم . ببینید اشک تو شیشه
میخواهد برود باید زیاد باشد. معلوم است که امیرالمومنین هم از این
شیشه خبر نداشته ، چون سوال کرد یا سیدتنا النساء ماالذی فی هذه
القارورة (قارورة : ج قواریر [قرّ] : ظرفی که در آن نوشابه یا عطر و
مانند آن قرار می دهند ، ظرف خرما ، حدقه چشم) چی توی این
شیشه هست که به من می گویی با ما شما دفن کنم؟ عرضه داشتند
یا ابالحسن سَمِعْتُ اَبی یَقولُ اَنَّ الدَّمْعَ تُدْفَعُ غَضَبَ الرَّبِّ و اَنَّ القَبْرَ
لَا یَكُونُ رَوْضَةً رِیاضِ الْجَنَّةِ اِلاَّ اَنْ یَكُونَ العَبْدُ قَدْ بَكَاءَ مِنْ خِیفَةِ اللّٰهِ. از
بابایم شنیدم قبر اگر کسی از خوف خدا اشک ریخته باشد اگر کسی تو
دل شب بلند شده باشد گریه کرده باشد قبرش می شود باغی از
باغهای بهشت ، اشک در نیمه ی شب غضب خدا را فروکش می کند.
لذا من این اشک را جمع کردم ، با من به خاک بسپار . لَیْکونَ
ذخیره. ببینید یَوْمَ حَشْرِی ، فَبِکاءِ عَلیُّ عَلَیْهِ السَّلَامُ و شروع کرد
امیرالمومنین .. این یار فاطمه است . ببینید آن شب عروسی اش.
شب زفافش. این موقع دفنش. با من این قاروره را به خاک بسپار .
که قبر من روضه ای از ریاض بهشت بشود . غضب رحمان را این
اشک فروکش کند . (۱۲)

بی جهت نیست امیر مومنان به حضرت زهرا سلام الله علیها می فرماید فاطمه جان تو نیکوکارترین (ابر) مردم هستی. نشانه‌ها و ویژگی‌های ابرار در قرآن را بررسی می‌کردیم گفتیم اول ایمان به خدا و دوم ایمان و اعتقاد به آخرت

۳. ایمان به فرشتگان

«... وَ الْمَلَائِكَةَ»؛ «ابرار» ایمان به وجود فرشتگان الهی دارند و این‌که آنها بندگان گرامی پروردگار هستند و در هیچ کاری بر فرمان او سبقت نمی‌گیرند و از امر او تخلف نمی‌کنند (۱۳) افزون بر این؛ فرشتگان واسطه فیض خداوند و تدبیر کننده امور به اذن اویند؛ بنابراین، ایمان به آنان از باب شکر واسطه نعمت لازم است؛ چنان‌که شکر خداوند در جایگاه مبدأ همه نعمت‌ها قرار دارد (۱۴)

۴. ایمان به رسالت پیامبران و کتاب‌های آسمانی

«وَ الْكِتَابِ وَ النَّبِيِّينَ»؛ مقصود از ایمان به کتاب و پیامبران، ایمان به رسالت همه پیامبران الهی و کتاب‌های آسمانی آنان بوده، و ایمان به آنان، مستلزم پیروی از هدایتشان است. سرّ این‌که مؤمنان و پارسایان، به ویژه «ابرار»، به همه رسولان و همه کتاب‌های آسمانی ایمان دارند، این است که همه شرایع، در اصول و خطوط کلی معارف (مبدأ، معاد، عمل صالح) یکسانند. (۱۵) از این‌رو پیامبران الهی، هر یک مُصَدِّقِ رسولان پیشین و مبشّر پیامبران پس از خود بوده‌اند (۱۶)

موارد پیش گفته، جامع همه معارف حقی است که خدای سبحان، ایمان به آنها را از بندگانش خواسته و مقصود از ایمان، ایمان کاملی است که در قلب آدمی مستقر شود و شک، اعتراض و اضطراب بدان راه نیابد و در قلمرو اخلاق و رفتار نیز بی‌اثر نباشد. جمله «أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا» در ذیل این آیه که پس از شمردن اوصاف «ابرار» قرار گرفته و در آن، صدق مطلق آمده و به اعمال قلبی یا جوارحی مقید نشده، نشانه ایمان صادقانه «ابرار» است. بنابراین، «ابرار» دارای مرتبه عالی ایمان‌اند؛ (۱۷) چنان‌که قرآن می‌فرماید: «کسانی که ایمان آوردند و ایمانشان را به ستمی [مانند شرک] نیامیختند، ایمنی [از عذاب] برای آنان است، و آنان راه یافتگانند» (۱۸)

۵. صداقت

«أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا»؛ «ابرار» در ایمان خود صادق‌اند، نه کسانی که ایمان را با زبان اظهار می‌کنند؛ ولی دل‌هایشان ایمان نیاورده است. (۱۹) حصر در این جمله تأکیدی بر تعریف و بیان حد و بدین معنا است که اگر برجستگان از اهل صدق و صداقت را می‌جویی، آنان همان ابرارند (۲۰)

صداقت حضرت زهرا سلام الله علیها:

قَالَتْ (فاطمه) يَا ابْنَ عَمٍّ مَا عَهَدْتَنِي كَاذِبَةً وَلَا خَائِنَةً وَلَا خَالَفْتُكَ مِنْدُ عَاشِرَتِنِي فَقَالَ (علی علیه السلام) مَعَاذَ اللَّهِ (۲۱)

حضرت فاطمه فرمود: پسر عمو! آیا در این مدتی که تو با من معاشرت داشتی، دروغ و خیانت و مخالفتی از من دیدی؟

حضرت امیر علیه السلام فرمود: ابد!! به خداوند پناه می‌برم!

۶. تقوا

«وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ»؛ «ابرار» که ابعاد اعتقادی دین را باور دارند، از دارایی‌های خود برای دست‌گیری از مستمندان بهره می‌گیرند؛ وظایف عبادی و اجتماعی خویش را انجام می‌دهند و در نبرد با دشمنان دین، استقامت می‌ورزند، تقوای پیشگان حقیقی‌اند. حصر در جمله «أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» بیانگر کمال تقوا است؛ زیرا اگر بر و صدق به مرحله تمام نرسد، تقوا نیز کامل نخواهد شد (۲۲)

حضرت زهرا سلام الله علیها مجسمه تقواست. که ان شا الله در جلسات دیگه در مورد این صفت بارز حضرت صحبت خواهیم کرد

۷. وفاداری

«وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا»؛ «ابرار» کسانی هستند که به عهد خویش به هنگامی که پیمان می‌بندند وفا می‌کنند. چرا که سرمایه زندگی اجتماعی، اعتماد متقابل افراد جامعه است، و از جمله گناهای که رشته اطمینان و اعتماد را پاره می‌کند و زیربنای روابط اجتماعی را سست می‌نماید ترک وفای به عهد است، به همین دلیل در روایات

اسلامی چنین می‌خوانیم که مسلمانان موظفند سه برنامه را در مورد همه انجام دهند، خواه طرف مقابل، مسلمان باشد یا کافر، نیکوکار باشد یا بدکار، و آن سه عبارتند از: «وفای به عهد، ادای امانت و احترام به پدر و مادر» (۲۳)

به امیرمومنان فرمودند: **وَ لَا خَائِنَةَ مِنْ اهل وفاداری بودم لحظه ای کوتاهی نکردند.** چهل شب همراه مولا و حسنین برای دادخواهی و یادآوری امامت امیرمومنان به درب خانه اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رفتند

۸. صبر و شکیبایی

هشتمین ویژگی ابرار: **وَ الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ**؛ «ابرار» هنگام محرومیت و فقر، و به هنگام بیماری و درد، و همچنین در موقع جنگ در برابر دشمن، صبر و استقامت به خرج می‌دهند، و در برابر این حوادث زانو نمی‌زنند. دو خلقِ وفا و صبر که یکی (صبر) مقتضایش سکون است و دیگری (وفا) به حرکت تعلق می‌گیرد، دربردارنده همه اخلاق نیک نیست؛ اما هرگاه این دو تحقق یابد، دیگر خلق‌های نیکو نیز محقق می‌شود. (۲۴) پایداری، پایه اصیل هر طاعت و پاکی است؛ از این‌رو در قرآن؛ از عوامل راه‌یافتن ابرار، به بهشت شمرده شده: «و به [پاس] آنکه صبر کردند، بهشت و پرنیان پاداششان داد.» (۲۵) و هنگام ورود بهشتیان به بهشت، فرشتگان در

خوشامدگویی به آنان از پایداریشان در دنیا یاد می‌کنند: «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ
بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ» (۲۶)

حضرت زهرا سلام الله عليها در خطبه فدکيه می‌فرمایند: **الصَّبْرُ مَعُونَةٌ**
عَلَى اسْتِجَابِ الْأَجْرِ خداوند متعال شکیبایی و صبر را موجبی برای
جلب پاداش (رحمت الهی قرار داده است) (۲۷)

پنج جلوه صبر و استقامت حضرت زهرا سلام الله عليها

صبر و پایداری یکی از فضائل اعلای اخلاقی است که نیروهای انسان را
در رسیدن به هدف مفید و مثمر می‌سازد و علاوه بر جلوگیری از هدر
دادن فعالیت‌های فردی ضریب اقتدار انسان را بالا می‌برد از بدیهیات
است که انسان را در میدان زندگی و با ورود به عرصه‌های گوناگون
می‌توان شناخت و صبوری و پایداری افراد را باید در بحرانها و شرائط
سخت سنجید. تاریخ زندگی حضرت زهرا «عليها السلام» گویای یک
سلسله واقعیتهایی در این مورد است که باید مورد بررسی قرار گیرد به
طور مثال:

در کلام مولی امیرالمؤمنین «عليه السلام» صبر بر سه قسم تقسیم
شده است. صبر بر عبادت، صبر بر معصیت و صبر بر ناگواری‌ها.
فاطمه زهرا «عليها السلام» در هر سه محور صبوری رتبه عالی و مقام
برتر اخلاقی را بدست آورده است.

در صبر بر معصیت آنچنان استقامت دارد که به مقام عصمت آنهم عصمت کبری نائل شده است. در مقام صبر در عبادت بیشترین و بهترین عبادات را نموده است. در مقام صبر در ناگواری‌ها هم در انواع ناملایمات امتحان داده و در آزمون الهی سربلند و عزیز بیرون آمده است. از طرفی مستند به آیه شریفه و لنبلونکم بشیء من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات و بشر الصابرين (۲۸) مواد مورد آزمون و صحنه‌ها و جلوه‌های پایداری به پنج مورد تقسیم شده است:

۱- خوف (ترس)

۲- جوع (گرسنگی)

۳- نقص در اموال (انفال و اعطاء اموال)

۴- نقص در انفس (لطمه جسمی و شهادت)

۵- نقص در ثمرات (کسر و کمبود بهره‌های مالی زندگی)

با مروری بر زندگی حضرت زهرا «علیها السلام» و خانواده عصمت و طهارت علیهم السلام تمام موارد فوق در زندگی حضرتش آنهم از سخت‌ترین نوع آن بوده است و صبوری و پایداری فاطمه زهرا «علیها السلام» و سرافرازی آن حضرت در موفقیت از این آزمونها و آزمایشهای الهی محرز می‌باشد.

۱- پایداری قولی و عملی حضرت زهرا در برابر خوف

پس از ماجرای سقیفه، و سرپیچی عده ای از بیعت با ابابکر، برای آنکه به خیال خودشان مرکز تجمع مخالفان را مورد تهدید قرار دهند، به خانه امام یورش آوردند. عمر و قُنفذ، و طرفداران آنها تهدید کردند، اگر امام علی علیه السلام «برای بیعت به مسجد بیرون نیاید، خانه را آتش می‌زنیم!!»

حضرت زهرا «علیها السلام» در دفاع از امام، در برابر مهاجمان فرمود:

أَيُّهَا الظَّالِمُونَ الْمُكذِّبُونَ! ماذا تقولون؟ لو أي شيء تُريدون؟ يا عمرُ! ما تتقى الله؟ تدخل على بيتي؟ أبجزبك الشيطان تخوفني؟ و كان حزب الشيطان ضعيفاً....

[شما ای گمراهان و دروغگویا! چه می‌گوئید و چه می‌خواهید؟ ای عم! آیا از خدا پروا نداری؟ اینگونه می‌خواهی وارد خانه من شوی؟

آیا با حزب شیطان که دور شما را گرفتند مرا می‌ترسانی؟ در حالی که حزب شیطان ناتوانند!...] (۲۹)

۲- امتحان به جوع و گرسنگی فاطمه زهرا و صبوری آن

حضرت

یکی از ابتلائات خانوادگی حضرت زهرا «علیها السلام» گرسنگی و امتحان مکرر به جوع بوده است. در این زمینه تاریخ شواهد زیادی دارد که حضرت علی علیه السلام و یا حضرت زهرا «علیها السلام» و گاهی حتی فرزندان ایشان مبتلا به جوع و گرسنگی شدید و جانکاه بوده اند. در داستان احکام سه روزه مسکین و یتیم و اسیر همچنین در میهمان نوازیهای خانوادگی حضرت زهرا «علیها السلام» در برخورد با میهمانان خود و در ایثار غذا به پیامبر و گاهی ایثار غذا به فرزندان و گرسنه ماندن خود حضرت زهرا «علیها السلام» داستانها وجود دارد. در اینجا ما فقط به نقل یک شاهد تاریخی بعد از ازدواج در مدینه و یک ماجرای مشهور در مکه کفایت می‌کنیم.

در روایت سلیمان بن بریده نقل شده است که رسول خدا پرسید: «دختر! چرا نگران و ناراحتی؟» در جواب پدر گفت:

قَلَّةُ الطَّعْمِ وَ كَثْرَةُ الْهَمِّ وَ شِدَّةُ السَّقْمِ.

[فشار گرسنگی و کمی طعام و غذا، و فراوانی اندوه و شدت بیماری و گرفتاری، مرا نگران کرده است. (۳۰)]

همچنین در بیان تحمل گرسنگی در مکه می‌توان به این نکته اشاره کرد که یکی از حوادث سخت تاریخ پیامبر سه سال محاصره اقتصادی در شعب ابی طالب می‌باشد که پیامبر و اصحاب آن حضرت با توجه به سختی شرائط زندگی در مکه مجبور به پناه گرفتن به دره‌های اطراف مکه شدند در مدت این سه سال انواع ابتلائات و مشکلات برای مسلمین وجود داشت که یکی از سخت‌ترین آنها مشکل بی‌غذائی و گرسنگی می‌باشد و جالب است بدانیم که جزء افراد محاصره شده در طول این سه سال حضرت زهرا «علیها السلام» و مادرشان خدیجه می‌باشند که در آن زمان حضرت زهرا «علیها السلام» حدود پنج سال بیشتر سن نداشتند.

۳- نقص اموال

اگر نقص اموال به معنای کمبود مالی و ضعف امکانات حتی ضروریات زندگی باشد این گونه نقص در زندگی حضرت زهرا «علیها السلام» وجود داشته است و اگر به معنای کاسته شدن اموال به انفاق یا غصب و سرقت خائنین و ظالمین هم باشد در زندگی حضرت زهرا «علیها السلام» وجود دارد.

جهیزیه ساده و مختصر، مهریه اندک، خانه ساده و محقر و کمبودهای گوناگون ضروریات زندگی برخی از نمونه‌های نقص اموال به معنای اول است.

قالت فاطمه «عليها السلام»: أَنِّي وَ ابْنِ عَمِّي مَا لَنَا فِرَاشٌ إِلَّا جَلْدُ
كَبْشٍ نَنَامُ عَلَيْهِ بِاللَّيْلِ وَ نَعْلِفُ عَلَيْهِ نَاضِحِنَا بِالنَّهَارِ.

[ای رسول خدا! من و پسرعمویم چیزی از وسائل رفاهی نداریم؛ مگر پوست گوسفندی که شبها بر روی آن می‌خوابیم و روزها بر روی آن شتر خود را علف می‌دهیم.]

رسول گرامی اسلام فرمود:

يَا بَنِيَّةَ اصْبِرِي فَإِنَّ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ أَقَامَ مَعَ إِمْرَأَتِهِ عَشْرَ سِنِينَ مَا لَهَا
فِرَاشٌ إِلَّا عَبَاءَةٌ قِطْوَانِيَّةٌ.

[دخترم صبر و تحمل داشته باش، زیرا موسی بن عمران ده سال با همسرش زندگی کرد و فرش‌های جز یک قطعه عبای قطوانیه نداشتند.]

(۳۱)

سلمان فارسی می‌گوید: «روزی حضرت فاطمه «عليها السلام» را دیدم که چادری وصله دار و ساده بر سر دارد.

در شگفتی ماندم و گفتم: عجب! دختر پادشاهان ایران و قیصر روم، بر کرسیهای طلایی می‌نشینند و پارچه‌های زربفت به تن می‌کنند، و این دختر رسول خداست که نه چادرهای گران قیمت بر سر دارد و نه لباسهای زیبا.»

فاطمه «عليها السلام» پاسخ داد:

یا سلمان! إِنَّ اللَّهَ ذَخَّرَ لَنَا الثِّيَابَ وَالْكَرَاسِيَّ لِيَوْمٍ آخِرٍ.

[ای سلمان! خداوند بزرگ، لباسهای زینتی و تختهای طلائی را برای ما در روز قیامت ذخیره کرده است.]

حضرت زهرا «علیها السلام» سپس به خدمت پدر رفت و شگفتی سلمان را مطرح فرمود:

يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنَّ سَلْمَانَ تَعَجَّبَ مِنْ لِبَاسِي، فَوَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ مَالِي
وَ لِعَلِيٍّ مِنْذُ خَمْسِ سِنِينَ إِلَّا مَسَكُ كَبْشٍ لَعَلَّفَ عَلَيْهَا بِالنَّهَارِ بَعِيرُنَا وَ
إِذَا كَانَ اللَّيْلُ افْتَرَشْنَاهُ وَ إِنَّا مَرْفَقَتَنَا لِمَنْ أَدْمُ حَشْوُهَا لَيْفٌ.

[ای رسول خدا! سلمان از سادگی من تعجب نمود، سوگند به خدایی که تو را مبعوث فرمود، مدت پنج سال است فرش خانه ما پوست گوسفندی است که روزها بر روی آن شترمان علف می‌خورد و شبها بر روی آن می‌خوابیم و بالش ما چرمی است که از لیف خرما پر شده است. (۳۲)]

در قسم دوم نیز حضرت زهرا «علیها السلام» در شرائط گوناگون و به افراد مختلف هدیه‌ها و انفاقات زیادی داشته اند از بخشش نان و طعام گرفته تا بخشش لباس حتی لباس شب عروسی تا بخشش گردن بند و انگو همچنین نمونه غصب فدک که سرقتی بزرگ و

آشکار از طرف منافقین به حساب می‌آید یکی از موارد آزمون برای حضرت زهرا «علیها السلام» می‌باشد.

۴- ابتلاء و امتحان به نقص جان و آزار بدنی

فاطمه زهرا «علیها السلام» خود و خانواده اش دچار یکی از سخت‌ترین ابتلائات جسمی و جانی بوده‌اند.

الف - در مسیر رونق بخشی کار روزانه خانه، دستان فاطمه «علیها السلام» از آسیا زخم برداشته بود.

ب - در جهت آب آوری به خانه از بند مشک کتف حضرت زهرا «علیها السلام» نشان گرفته بود.

ج - در مسیر عبادت خدا دو پای حضرت زهرا «علیها السلام» متورم شده بود.

د - در نتیجه گریه‌های طولانی چشمانش و در اندوه پدر بدنش نحیف گشته بود.

ه - در نتیجه جهاد و مبارزه با منافقین بازویش و پهلویش و طفل در رحمش و صورتش آزار دیده بود و نشان داشت.

و - و بالآخره در پایان زندگی با مرگ سرخ شهیده فی سبیل الله شده السلام علیک ایتها الصدیقه الشهیده.

ز - همچنین زخمهای بر بدن شوهرش علی علیه السلام» در جهاد در راه خدا و علم حضرت به شهادت فرزندان پسرش و اسارت دخترانش و رضایت دادن به این خواسته‌های الهی خود یکی از جلوه‌های پایداری در آزمایش به جان و نفس می‌باشد.

۵- ابتلائات حضرت زهرا در نقص ثمرات

به استناد آیه و آت ذی القربی حقه باغات فدک را پیامبر عظیم الشان اسلام به ملکیت حضرت زهرا «علیها السلام» در آوردند اما پس از رحلت رسول خدا بلافاصله باند نفاق در این بهره و ثمره نقص ایجاد کرد و آنرا به تصاحب درآورد و حضرت علی علیه السلام و زهرا «علیها السلام» پس از دفاع مکرر از فدک باز در راه خدا از فدک هم گذشتند و صبر اختیار نمودند. انس بن مالک نقل می‌کند:

حضرت زهرا «علیها السلام» پس از غصب باغهای فدک، خطاب به ابابکر فرمود:

لَقَدْ عَلِمْتَ الَّذِي ظَلَمْتَنَا عَنْهُ أَهْلَ الْبَيْتِ مِنَ الصَّدَقَاتِ وَ مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْنَا مِنَ الْغَنَائِمِ فِي الْقُرْآنِ مِنْ سَهْمِ ذَوِي الْقُرْبَى وَ أَعْلَمُوا أَنَّمَا لَكُنْمُ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى. (۳۳)

ای ابابکر! تو می‌شناسی و می‌دانی که حق ما اهل بیت غصب شده است. حقی که از صدقات و غنائم در رابطه با سهم (ذی القربی)

نزدیکان رسول خدا داریم که خداوند در آیه مربوط به غنائم، مصرف خمس آن را توضیح داده است. (۳۴) (۳۵)

۹. اقامه نماز

نهمین ویژگی ابرار و اَقَامَ الصَّلَاةَ؛ «ابرار»، هم اهل نمازند و هم حقیقت آنرا به پا می‌دارند. به پا داشتن نماز راستین، به معنای توفیق یافتن ابرار در دستیابی به آثار و برکاتی است که قرآن برای نماز بر می‌شمرد؛ مانند ذکر و یاد خدا، (۳۶) بازداشتن فرد و جامعه از فحشا و منکر، (۳۷) نجات انسان از بی‌قراری هنگام سختی و نداری و از انحصار طلبی و بخل هنگام توانگری. (۳۸)

نماز حضرت زهرا سلام الله علیها:

حسن بصری (متوفی به سال ۱۱۰ هـ) گوید:

ما کان فی هذه الامّة اُعبد من فاطمة، کانت تقوم حتی تورم قدماها. (۳۹) در بین امت اسلام، هیچ کس عابدتر از **فاطمه** نبود، او آنقدر برای راز و نیاز و نماز خواندن بر روی پاهایش می‌ایستاد که پاهایش **ورم** کرده تاول می‌زد.

این روایت میزان علاقه حضرت فاطمه را به مقام ربوبی، و درجه ایمان و خلوص یقین او را بطور کامل نمایان می‌سازد، و از سوی دیگر

جلوهای از شخصیت عبادی حضرت فاطمه علیها السلام را به نمایش می‌گذارد.

فرزند بزرگوار حضرت فاطمه، امام حسن مجتبی علیه السلام در این مورد گوید:

رأیت امی فاطمة علیها السلام قامت فی محرابها لیلة جمعتها، فلم تزل راکعة ساجدة حتی اتضح

عمود الصبح.^(۴۰) مادرم فاطمه علیها السلام را دیدم که در شب جمعه از بستر خویش جدا شده تا طلوع خورشید مشغول عبادت، و راز و نیاز با پروردگار بود و لحظه‌ای از رکوع و سجود دست برنمی‌داشت.

او آنقدر به عبادت پروردگارش علاقمند و وابسته است که در شب اول زندگانی مشترکش با علی علیه السلام او را به عبادت و نمازگزاری فرا می‌خواند و سه روز بعد که پیامبر از علی علیه السلام می‌پرسد که فاطمه چگونه همسری است، پاسخ می‌دهد:

نعم العون علی طاعة الله.^(۴۱) او بسیار مددکار و یاری‌کننده به عبادت و طاعت خداوند است.

اساساً راز عزت و سربلندی حضرت فاطمه را باید در مقام عرفانی و عبادی او جستجو کرد، او با وجود اینکه سنش کم و جوان ولی در

عرفان و عبادت پیری بود که جز لقای ربوبی چیزی او را راضی
نمی‌ساخت، و از همین روست که در دعاهایش می‌گفت:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ لَذَّةَ النَّظَرِ إِلَى وَجْهِكَ.

خداوند! از تو می‌خواهم که همواره لذت نظر به وجه خود را نصیب
من فرمایی.

آری، فاطمه، به تمامی عاشق و شیدای خدای خویش است و او را با
همه ذرات وجودش می‌پرستد و لذا أَعْبَدُ النَّاسَ می‌گردد. (۴۲)

۱۰. پرداخت زکات

وَ آتَى الزَّكَاةَ؛ آنها زکات را می‌پردازند. بسیاری افراد می‌دانند که در پاره‌ای از
موارد حاضرند به مستمندان کمک کنند اما در اداء حقوق واجب
سهل‌انگار می‌باشند، و به عکس گروهی غیر از ادای حقوق واجب به
هیچ‌گونه کمک دیگری تن در نمی‌دهند، حتی حاضر نیستند حتی یک
دینار به نیازمندترین افراد بدهند، آیه فوق با ذکر «انفاق مستحب و
ایثارگری» از یک سو، و «ادای حقوق واجب» از سوی دیگر، این هر
دو گروه را از صف نیکوکاران واقعی خارج می‌سازد و نیکوکار را کسی
می‌داند که در هر دو میدان انجام وظیفه کند. ۴۳

در آیات دیگری نیز؛ «هراس از قیامت»، ۴۴ «اخلاص»، ۴۵ و «انفاق
محبوب» ۴۶ از اوصاف و ویژگی‌های «ابرار» شمرده شده است.

درجات ابرار

از آن جا که «بر» درجاتی دارد، «ابرار» نیز مراتب گوناگونی دارند. برخی در دامنه، و برخی بر قلّه بلند «بر» و نیکی مستقرند؛ بر این اساس، فضایی که در قرآن برای «ابرار» شمرده شده، اگرچه شأن نزول برخی آیاتش، مانند آیات سوره انسان خاص است، اما دایره شمول آن به گروه خاصی از «ابرار» محدود نیست.

به دیگر سخن؛ سبب نزول آیات سوره انسان، معصومان(ع) بودند؛ اما الفاظ آن عام و شامل همه کسانی است که به این اوصاف متّصف شوند؛ پس ستایش‌ها و بشارت‌های این سوره نیز اولاً و بالذات اهل بیت و ثانیاً بالعرض هر کس را که به صفات آنان متّصف شود، دربر می‌گیرد. به هر حال برترین «ابرار» کسانی‌اند که آیات سوره انسان در شأن آنان نازل شده و پاداش‌های آنان، به صورتی قطعی و بدون تعلیق بر شرط خاصی بیان شده است. (۴۷)

راههای رسیدن به مقام ابرار:

۱- انس با قرآن و عمل کردن به آیات آن

مرحوم اقبال لاهوری که در اواخر زندگی اش، دچار ضعف و بیماری چشم شده بود و از مطالعه نیز محروم مانده بود، تنها مونسش قرآن بود، اما با همان اندک بینایی، به قرآن می‌نگریست و با لذتی سرشار از ایمان، آیات را قرائت می‌کرد و می‌گفت: پدرم به من توصیه کرده

است که؛ فرزندم! هر گاه قرآن می خوانی، چنان بخوان که گویی خداوند آن را بر تو نازل کرده است (۴۸)

فیض کاشانی از قول یکی از حکیمان می گوید که ابتدا قرآن را می خواندم و لذتی نمی بردم. چندی بعد که آن را می خواندم، چنان که گویی آن را از رسول الله می شنوم که بر اصحابش می خواند. بالاتر رفتم و آن را از جبرئیل شنیدم که بر پیامبر - علیه السلام - می خواند. از آن هم بالاتر رفتم و اینک آن را از خود خداوند می شنوم و لذتی می برم و تنعمی دارم که نمی توانم از آن بگذرم (۴۹)

۲- خداخواهی بجای خودخواهی

۳- انفاق دوست داشتنی ها در راه خدا

شرط رسیدن به مقام ابرار، انفاق است، آن هم انفاق دوست داشتنی ها و اموری که مورد علاقه ماست، نه انفاق زوائد و ضایعات زندگی که گاهی استفاده از آن ملال آور خواهد بود، و حق تعالی در این زمینه می فرماید: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» [آل عمران، ۹۲]؛ «شما هرگز به مقام ابرار و خاصان خدا نخواهید رسید مگر از آنچه دوست می دارید و محبوب شماست در راه خدا انفاق کنید، و آنچه انفاق کنید خدا بر آن آگاه است.»

ابرار کسانی هستند که فیش عمره خود و خانواده خویش را با تمام
علاقه و اشتیاق برای زیارت خانه خدا و سال‌ها چشم‌انتظاری و در
نوبت بودن، با طیب نفس و رضایت کامل می‌فروشند و صرف خرید
جهیزیه برای آن دختری می‌نمایند که به خاطر نداشتن وضعیت مالی
مناسب خانواده، هنوز به خانه بخت نرفته، و یا پول رهن خانه جوانی
را فراهم می‌کنند، تا هر چه زودتر دست همسرش را بگیرد و
زندگی‌اش را شروع نماید

و اگر می‌بینیم که آیات سوره انسان، در شأن حضرت علی و حضرت
زهرا و امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام نازل می‌شود، به خاطر
این است که آن‌ها مصداق بارز ابرار هستند، چون در طی آن سه روز،
به خاطر نذری که کرده بودند و روزه گرفتند، موقع افطار، غذای خود
را با علاقه و نیازی که به آن داشتند، انفاق نمودند و به نیازمندان
دادند: «وَ يَطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ
أَسِيرًا» [الانسان، ۸]؛ «و غذای (خود) را با این‌که به آن علاقه (و نیاز)
دارند به مسکین و یتیم و اسیر می‌دهند».

ابرار افرادی می‌باشند که مال مورد علاقه خود را که با زحمت و خون
جگر به دست آورده‌اند، صرف آزادی آن زندانی‌ای بکنند که به خاطر
فراهم نکردن پول دیه در زندان به سر می‌برد و با این عمل او را به
آغوش گرم خانواده، بر می‌گردانند، تا از تزلزل بنیان خانواده‌اش
جلوگیری شود.

مصدق بارز و اتم ابرار، شهدا می‌باشند، چون جان خویش، که محبوب‌ترین امر برای هر کسی می‌باشد را در راه حق تعالی انفاق نمودند .

ابرار، پدران و مادران شهدا هستند که میوه و ثمره جانشان را با شدت علاقه‌ای که نسبت به آنها داشتند در راه خدا قربانی نمودند.

بنابراین اگر می‌خواهیم جزو ابرار که یکی از مقامات معنوی است قرار بگیریم باید امور مورد علاقه و محبوب خود از مال، آبرو، قدرت و جان خویش را در راه خدا انفاق نماییم . (۵۰)

انتهای بر و نیکی

امام صادق(علیه السلام) فرمودند رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود:

فَوْقَ كُلِّ ذِي بَرٍّ بَرٌّ حَتَّى يُقْتَلَ الرَّجُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِذَا قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَيْسَ فَوْقَهُ بَرٌّ.....

برتر از هر نیکی، نیکی است تا جاییکه مرد در راه خدا کشته شود پس چون در راه خدا کشته شد دیگر بالاتر از آن نیکی (۵۱)

مصدق اتم و نهایی ابرار آن کسی است که عاشقانه از امام زمانش دفاع می‌کند و تا آخرین نفس بر علیه باطل جهاد می‌کند و بخاطر

دین خدا بین در و دیوار مظلومانه جان می دهد. و به شهادت می
رسد

روضه پایانی:

السلام علیک یا فاطمه الزهرا

يَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءُ يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ يَا قُرَّةَ عَيْنِ الرَّسُولِ يَا سَيِّدَتَنَا وَ مَوْلَاتَنَا
إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَ اسْتَشْفَعْنَا وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَ قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ
حَاجَاتِنَا

يَا وَجِيهَةً عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعِي لَنَا عِنْدَ اللَّهِ

در خطبه ی ۲۰۲ نهج البلاغه وقتی امام علی (علیه السلام) پیامبر
سخن می گفتند: سلام از من و دختری که به جوار تو رسید و خیلی
زود به تو ملحق شد، صبرم کم شده است گاهی مصیبت آنچنان
سنگین می شود که صبر کم می شود.

من آن روزی دل از جان شسته بودم

که بعد از مرگ زهرا زنده بودم

خودم کردم چو آن شب قبر او را

تو گویی قبر خود را کنده بودم.

حضرت امیر می فرماید : یا رسول الله این امانتی که به من سپرده بودی از من گرفتند . غم من دائمی است و من شبها خواب ندارم تا من به تو ملحق بشوم . در نهج البلاغه داریم : دخترت فاطمه به تو خبر می دهد ولی نه ، اگر به اصرار از فاطمه نپرسی فاطمه به تو نمی گوید که چه بر او گذشت .

بعد از نبی به دخترش امت امان نداد ،

از مهر کسی تسلی آن خسته جان نداد ،

می خواست با علی سوی مسجد رود ،

ولی دردا که تازیانه امان نداد ،

می خواست تا دهد جان به پشت در ،

چون بی کسی علی دید جان نداد ،

هر قهرمان کند به نشان خود افتخار

زهرا نشان خود به علی هم نشان نداد. (۵۲)

منابع و پی نوشت:

۱] [طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۹۵، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۵۵.

۲] [موسوی سبزواری، سید عبد الاعلی، مواهب الرحمان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۸۵، بیروت، مؤسسه اهل بیت (ع)، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق.

(۳) رشیدالدین میبیدی، احمد بن ابی سعد، کشف الأسرار و عدة الأبرار، ج ۱۰، ص ۴۰۶، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۱ ش؛ ر.ک: التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۳۰۲.

۴] [المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۱۲۴.

۵] [مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۷۶.

۶] [قلمونی حسینی، محمد رشید بن علی رضا، تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، ج ۲، ص ۹۰، قاهره، هیئة المصریة العامه للکتب، ۱۹۹۰ م.

۷- (زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار) ترجمه روحانی، ص: ۲۲۵)

۸- (پایگاه خبرگزاری بین المللی قرآن)

۹- (جامع الاحادیث نور / زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار) ترجمه روحانی، ص: / فلاح السائل، ص ۱۷۳-۱۷۶- بحار الانوار، ج ۸۳ ص ۶۶-۶۸ شماره ۴.)

۱۰- (از بیانات استاد رفیعی)

۱۱- همان

۱۲- همان

۱۳] [مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۷۶.

۱۴] [موسوی سبزواری، سید عبد الاعلی، مواهب الرحمان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۹۴، بیروت، مؤسسه اهل بیت (ع)، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق.

۱۵] [آل عمران، ۱۹.

۱۶ [جوادى آملی، عبدالله، تسنیم، ج ۲، ص ۱۹۵، قم، اسراء.

۱۷ [المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۲۹ - ۴۳۰.

۱۸ [انعام، ۸۲.

۱۹ [ر.ک: تفسیر المنار، ج ۲، ص ۹۰ - ۹۲.

۲۰ [المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۲۹.

۲۱- (جامع الاحادیث نور / زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار) ترجمه روحانی، ص: ۶۳۱)

۲۲- المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۲۹.

۲۳- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۱۶۲، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.

۲۴- المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۲۹.

۲۵- انسان، ۱۲.

۲۶- رعد، ۲۴.

۲۷- ((ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار) ترجمه روحانی، ص: ۸۲۸)

۲۸- بقره / ۱۵۵.

۲۹- نهج الحیاء / ح ۶۴ / ص ۱۳۶.

۳۰- نهج الحیاء / ح ۱۸۶ / ص ۲۲۹.

۳۱- نهج الحیاء / ح ۱۸۴ / ص ۲۹۷.

۳۲- نهج الحیاء / ح ۹۰، ۸۹ / ص ۱۶۲.

۳۳- انفال / ۴۱.

۳۴- نهج الحیاء / ح ۱۴۷ / ص ۲۴۴.

۳۵- منبع : کتاب فرهنگ فاطمیة / پایگاه ریاحین

[۳۶]. [طه، ۱۴].

[۳۷]. [عنكبوت، ۴۵].

[۳۸]. [معارج، ۱۹ - ۲۲].

۳۹- مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳ ص ۳۸۹

۴۰- (علل الشرائع، ج ۱ ص ۱۸۱ و ۱۸۲)

۴۱- مناقب آل ابی طالب، ج ۳ ص ۳۵۶.

۴۲- (جامع الاحادیث نور / زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار) ترجمه روحانی، ص: ۹۲۹)

[۴۳]. [مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۰۰، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.

[۴۴]. [انسان، ۷].

[۴۵]. [انسان، ۹].

[۴۶]. [آل عمران، ۹۲. ر.ک. «: فلسفه انفاق»، سؤال ۶۵۸۲.

۴۷- منبع (ویژگی های ابرار در قرآن) پایگاه اسلام کوئست

۴۸- (اوصاف پارسایان، ص ۱۸۲. / پایگاه حوزه نت)

۴۹= (اوصاف پارسایان، ص ۱۸۱. / پایگاه حوزه نت)

۵۰- (پایگاه تبیان / پایگاه رهروان ولایت)

۵۱- کافی، ثقة الاسلام کلینی ج ۲ ص ۳۴۸ ح ۴؛ تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج ۶ ص ۲۲ ح ۴؛ خصال، شیخ صدوق، ج ۱ ص ۹ ح ۳۱؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۷ ص ۱ و ۲ ح ۲۵؛ پایگاه مقام معظم رهبری

۵۲- (روضه از حجت الاسلام حسینی قمی / پایگاه تبیان / پایگاه یامجیر)